

رابطه سبک های فرزند پروری والدین با خلاقیت دانش آموزان مدارس ابتدایی شهر کنگان

علی محمدی^{۱*}، دکتر یونس محمدی^۲

۱. کارشناس ارشد مشاوره خانواده و مدرس گروه مشاوره دانشگاه پیام نور مرکز بین المللی عسلویه، ایران (نویسنده مسئول)

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، بوشهر، ایران.

مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، دوره اول، شماره اول، آبان ۱۳۹۵، صفحات ۴۱-۳۲

چکیده

مسئله خلاقیت، مسئله‌ای است که در همه کشورها اعم از پیشرفته، صنعتی و یا در حال رشد مطرح و در همه زمان ها به نحو خاص خود بروز کرده است، بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک های فرزند پروری والدین با خلاقیت دانش آموزان دبستانی انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی - از نوع همبستگی است و جامعه آماری آن شامل تمام دانش آموزان دبستانی شهر کنگان در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ می باشد که از تعداد کل ۷۰۰ نفر دانش آموز شهر کنگان نمونه ای به حجم ۹۶ نفر از آنها به شکل تصادفی ساده انتخاب شد. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل دو پرسشنامه سبک های فرزندپروری باوم ریند و فرم کلامی آزمون خلاقیت تورنس می باشد. نتایج تحلیل داده ها نشان داد که بین قاطعیت والدین با میزان خلاقیت کودکان رابطه منفی وجود دارد. توضیح آنکه بین قاطعیت والدین و میزان خلاقیت کودکان رابطه ای مثبت وجود ندارد. همچنین سهل گیری والدین و عدم کنترل درست و نظارت کامل بر رفتار، ایده ها و اندیشه ها باعث افت شدید در میزان خلاقیت کودکان می شود. استبداد والدین در میزان خلاقیت کودکان تأثیر بسزایی دارد. هر چه استبداد والدین بیشتر باشد میزان خلاقیت کودکان کاهش معناداری پیدا می کند.

کلمات کلیدی: سبک های فرزند پروری، خلاقیت، دانش آموزان

مقدمه

هر چه قدر جهانی که در آن زندگی می‌کنیم پیچیده‌تر می‌شود نیاز به شناسایی و پرورش ذهنهای خلاق و آفریننده محسوس و روشن تر می‌گردد. در همین رابطه نونامی معتقد است: «شانسی برای به دست آوردن خلاقیت بالقوه می‌تواند موضوع مرگ و زندگی هر جامعه‌ای باشد» (گاستون، ۱۹۸۵، به نقل از کاظمی، ۱۳۸۴). بدون شک اهمیت و نقش نهاد خانواده به عنوان اولین جایگاه اجتماعی و مهمترین عامل تعیین کننده رفتار کودکی بر کسی پوشیده نیست (افروز، غلامعلی، ۱۳۸۵). نقش الگوهای فرزندپروری و تأثیرات آنان به میزان خلاقیت کودکان، چه در روند تکاملی انسان و چه در توسعه ترقیات آینده جهان، امری شایسته التفات بوده و در هر عصری که این نقش در غبار کم اتفاقی مسئولان رنگ باخته و یا به بوته فراموشی سپرده شده است، جهان به گرفتاری درآمده است، و اهمیت آن است که الگوهای فرزند پروری و خلاقیت یکی از مشکلات و گرفتاریهای جوامع بشری می‌باشد چرا که این امر با سیاست اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیوندهای ناگسسته وارد می‌شود که با تاسف در خانواده و آموزش و پرورش امروز ما نیز سرچشمه بسیاری از نارسایی‌ها به شمار می‌رود. عبارت سبک های فرزندپروری، به رفتارهای معینی از والدین اشاره دارد که به طور منفرد و در ارتباط با یکدیگر بر پیامدهای تحولی کودک اثر می‌گذارند و در برگزیده میزان پاسخگو بودن و مطالبه گر بودن والدین است (بروکه ۲۰۰۵). بامریند (۱۹۹۶) حداقل سه روش برای روش های تادیبی و مهارگری والدین شناسایی کرد: «مستبدانه»، «مقتدر منطقی» و «والدین آسان گیر». والدین مقتدر منطقی معمولاً انتظار دارند از فرزندانشان رفتارهای پخته ببینند و موازین رفتاری روشنی برای آنها وضع می‌کنند، کودکانشان را ترغیب می‌کنند تا مستقل باشند و نظام باز و انعطاف پذیر برای ارتباطات تعاملی با فرزندانشان دارند. والدین مستبد معمولاً ارزش زیادی برای حفظ اقتدار خود قائلند و هر گونه تلاش از جانب فرزندان برای به چالش کشیدن این اقتدار را سرکوب می‌کنند. کودکان مجاز نیستند با والدین بحث نموده و یا سرخود تصمیم بگیرند. والدین آسان گیر به فرزندانشان اجازه می‌دهند رفتارهای خود را تنظیم نموده و برای خودشان تصمیم بگیرند، اما به ندرت قواعدی برای نظارت بر رفتارهای کودکانشان وضع می‌کنند. کلیگان (۱۹۷۱) معتقد است برای ظهور خلاقیت راه های زیادی در شیوه های فرزند پروری وجود دارد که می‌تواند باعث ظهور یا محو خلاقیت شود. نحوه تربیت و استفاده از شیوه های دموکراتیک یا مستبدانه، اعمال نحوه انضباط و شیوه های ابراز محبت، هر کدام به نوعی در پرورش یا سرکوب خلاقیت مؤثر است (به نقل از کفایت، ۱۳۷۳). همچنین مهر افزا (۱۳۸۴) به رابطه شیوه های فرزند پروری با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سوم دبیرستان پرداخته و نشان داده است که بین جو عاطفی خانواده متمایل به اصول دموکراسی با خلاقیت ارتباط مثبت و معنا دار وجود دارد، همچنین بین خلاقیت و اصول دیکتاتوری ارتباط منفی و معنا داری وجود دارد و بین جو عاطفی خانواده متمایل به اصول آزادی مطلق با خلاقیت ارتباط معناداری از لحاظ آماری وجود ندارد. از طرفی مسئله خلاقیت، مسئله‌ای است که در همه کشورها اعم از پیشرفته، صنعتی و یا در حال رشد مطرح و در همه زمانها به نحو خاص خود بروز کرده است، لذا تحقیق درباره عوامل و راههای شکوفایی آن همواره مورد نیاز جوامع بوده است. از طرفی تنوع ضرر و زیانهایی که از این راه متقبل می‌شویم، (یعنی نادیده گرفتن افراد خلاق جوامع به عمر انسانها و یا به منابع مادی آنان می‌رسد) رقم شایان توجهی را در برمی‌گیرد. بنابر این باید تکامل های آموزشی کارایی خود را

بیشتر در راه افزایش استعدادها و تواناییهای کودکان به کار برند. شناخت و آگاهی نسبت به الگوهای فرزند پروری و میزان خلاقیت می تواند به والدین و کودکان و همچنین مسئولان آموزش و پرورش و محققان و نظریه پردازان اجتماعی و فرهنگی کمک کند تا در برخورد با کودکان آگاهانه عمل کنند و مسائل و مشکلات آنها را در نظر داشته باشند. در این راستا، برآنیم تا علل متفاوت شکوفایی خلاقیت و همچنین عللی که مانع از رشد خلاقیت کودکان می شود را بررسی کرده و با روشهای متفاوت والدین، سلطه گری، آسان گیری و مقتدرانه، مورد مقایسه و ارزیابی قرار دهیم. تا کار کرد هر یک از روش های مورد نظر و ارتباط آن را با میزان خلاقیت کودکان نشان داده و مناسب بودن و مزایا و معایب هر کدام از آنها را با روشی علمی به اثبات برسانیم. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک های فرزند پروری والدین با خلاقیت دانش آموزان انجام شد. در تعریف این دو مفهوم گفته شده که خلاقیت شکلی کنترل شده از تخیل است که منجر به نوع آوری و ابداع می شود (اسلادر، ترجمه قراچه داغی، ۱۳۸۲) و همچنین منظور از شیوه های فرزندپروری، آموزشی است که والدین به فرزندشان می دهند و شامل، اندیشه ها، احساسات و اعمال والدین در رابطه با تربیت فرزندان است. که در این تحقیق شیوه استقلال آموزی، تسلط آموزی و مراقبت آموزی به عنوان شیوه های فرزندپروری در نظر گرفته شده اند.

فرضیه های تحقیق

۱. بین سبک های فرزندپروری مقتدرانه والدین و خلاقیت کودکان رابطه وجود دارد.
۲. بین سبک های فرزندپروری سهل گیرانه والدین و خلاقیت کودکان رابطه وجود دارد.
۳. بین سبک های فرزندپروری پروری استبدادی والدین و خلاقیت کودکان رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

طرح پژوهش پژوهش حاضر از نوع طرح های توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری در پژوهش حاضر دانش آموزان مقطع ابتدایی مدارس کنگان در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ مشغول تحصیل می باشند. که تعداد جامعه ما بالغ بر ۷۰۰ نفر می باشد. روش جمع آوری اطلاعات از جامعه آماری فوق به صورت پرسشنامه می باشد. تعداد ۹۶ نفر آزمودنی که شامل ۴۸ نفر از والدین و ۴۸ نفر فرزندان می باشد و آنها به صورت تصادفی ساده ۴۸ برگه پرسشنامه بین والدین و ۴۸ برگه پرسشنامه بین فرزندان توزیع می گردد تا برحسب درجه از کاملاً مخالف، نامخالف، تقریباً مخالف، موافق و کاملاً موافق به سئوالات پاسخ دهند و پس از تکمیل پرسشنامه آن را تحویل دهند. که این ۴۸ نفر یا به عبارتی ۹۶ نفر نمونه آماری به تناسب تعداد آزمودنی قابل دسترسی انتخاب گردیده اند که سعی شده است به متغیرهایی نظیر وضعیت اقتصادی خانواده، وضعیت اجتماعی خانواده، میزان تحصیلات والدین و مؤلفه هایی چون سبک فرزند پروری والدین اعم از سخت گیری، سهل گیری و قاطعیت والدین توجه شود. برای اجرای این طرح از پرسشنامه از نوع بسته استفاده شد (شیوه های فرزند پروری) که شامل ۳۰ سؤال پنج گزینه ای است که هر ده سوال آن مربوط به یک فرضیه است. در پرسشنامه ای دیگر که شامل ۸ سؤال توصیفی است از کودکان خواسته می شود با توجه به معلومات خود جواب پرسشنامه ها را بدهند که نشان دهنده میزان خلاقیت آنها است.

پرسشنامه شیوه های فرزند پروری: باوم ریند از دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۹۷۳ مجموعه بررسی هایی را انجام داد که طی آن الگوهایی از شیوه های فرزند پروری والدین مشخص شد. وی برای مطالعات خود پرسشنامه ای طراحی

کرد که به نام خود او معروف شد. این پرسشنامه شامل ۳۰ جمله می باشد که ۱۰ جمله آن به شیوه‌ی سهل گیرانه (عبارات شماره ۲۸، ۲۴، ۲۱، ۱۹، ۱۷، ۱۳۸۴، ۱۰، ۶، ۱) ۱۰ جمله به شیوه مستبدانه (عبارات شماره ۲۹، ۲۶، ۸۲۵، ۱۶، ۱۲، ۹، ۷، ۳، ۲) و ۱۰ جمله دیگر به شیوه قاطع و اطمینان بخش (عبارات شماره ۳۰، ۲۷، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۰، ۸، ۵، ۴) مربوط می شود. در مقابل هر عبارت ۵ ستون با عناوین کاملاً موافقم، موافقم، تقریباً مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم قرار درد که به ترتیب ۴ تا صفر نمره گذاری می شوند. با جمع نمرات سئوالات مربوط به هر شیوه، سه نمره مجزا به دست می آید. بوری (۱۹۹۱)، میزان پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه مادران به شرح زیر گزارش نموده است: (۰/۰۸) برای شیوه سهل گیری، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی و ۰/۷۸ برای شیوه قاطع و اطمینان بخش. همچنین پایایی پرسشنامه در بین پدران برای شیوه سهل گیری ۰/۷۷ برای شیوه استبدادی ۰/۸۵ و برای اقتدار منطقی ۰/۹۲ به دست آمده است. وی برای بررسی بیشتر میزان اعتبار پرسشنامه از روش اعتبار افتراقی استفاده نموده است و مشاهده کرد مستبد بودن، در رابطه معکوسی با سهل گیری (۰/۳۸-) و اقتدار منطقی مادر (۰/۴۸-) دارد. همچنین مستبد بودن پدر رابطه معکوسی با سهل گیری (۰/۵۰-) و اقتدار منطقی وی (۰/۵۲-) دارد (بوری ۱۹۹۱). در پژوهشی که اسفندیاری (۱۳۷۴) انجام داد تا امکان تغییر شیوه‌های فرزند پروری والدین کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری را بررسی کند، از ۱۰ نفر از صاحب نظران روان شناسی و روان پزشکی خواست میزان اعتبار هر جمله از پرسشنامه را مشخص کند. نتیجه نشان داد پرسشنامه دارای اعتبار صوری می باشد. پرسشنامه توسط همان افراد تکمیل شد. میزان پایایی برای شیوه سهل گیری ۰/۶۹، برای شیوه استبدادی ۰/۷۷ و برای شیوه قاطع و اطمینان بخش ۰/۷۳ به دست آمد. (اسفندیاری، ۱۳۷۴)

آزمون سنجش خلاقیت: مبنای اساسی ابزار تحقیق آزمون تفکر خلاق نرم کلامی و غیرکلامی تورنس است. به لحاظ اینکه تعدادی از سوال های این آزمون برای دانش آموزان این پایه سنگین است فرم های دیگری نیز از هلیگارد وجود دارد، در این تحقیق ۸ سوال با فرم کلامی مشابه به سوالات آزمون تورنسی از آن اقتباس شد. و پس از بررسی روایی و اعتبار آن مورد استفاده قرار گرفت این آزمون تشکیل شده است از چهار بخش روایی، انعطاف، ابداع و بسط که هر یک به صورت زیر تعریف می شود:

۱- روایی: تعداد ایده های ارائه شده دانش آموز به هر یک از سوالات که در آن هر تعداد پاسخی که می دهد تعداد آنها را شمرده و به هر یک ۱ امتیاز می دهیم.

۲- انعطاف: تعداد ایده های متفاوت که از طرف پاسخ دهنده ارائه می شود که این ایده ها دسته بندی می شوند به هر دسته یک امتیاز می دهیم.

۳- ابداع و ابتکار: تعداد پاسخ های منحصر به فرد که از طرف افراد داده شده است. یعنی اینکه پاسخ ها پس از دسته بندی شدن، آن پاسخ هایی را که تنها فرد مورد نظر جواب داده است. اما دیگران به آن اشاره نداشته اند. نمره کامل ۱۰ می گیرد و آن پاسخهایی را که ۲۵٪ از افراد ارائه داده اند نمره ۶ می گیرد و پاسخهایی را که ۵۰٪ از آنها به

آن اشاره کرده اند نمره ۳ تعلق می گیرد و به بقیه پاسخها نمره ای داده نمی شود. لازم به ذکر است که به ازای هر سؤال ۵ دقیقه دقت در نظر گرفته شده است، پاسخ دهندگان پس از توضیح مختصر برای هر سؤال و ذکر یک مثال شروع به پاسخگویی می کنند.

یافته ها

فرضیه شماره یک: بین سبک فرزندپروری مقتدرانه والدین و خلاقیت کودکان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱: میانگین خلاقیت کودکان با توجه به سبک فرزندپروری والدین

سبک فرزند پروری	مقتدرانه و قاطع	استبدادی	سهل گیرانه
میانگین	۲۴/۱	۴۱/۵	۱۹/۸

جدول شماره ۲: جدول همبستگی مربوط به فرضیه شماره یک

شاخص مولفه	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رابطه خلاقیت و سبک مقتدرانه	۴۸	۰/۲۲۵	۰/۱۲

برای پی بردن به این مطلب ۱۰ سؤال در نظر می گیریم.

- ۱- هر گاه والدین تصمیمی برای بچه ها می گیرند باید دلایل آن را به آنها بگویند.
- ۲- اگر بچه ها نسبت به محدودیتهای ایجاد شده در خانواده اعتراض کردند والدین باید با صحبت کردن آنها را قانع کنند.
- ۳- بچه ها باید کاری را که والدین از آنها انتظار دارند، انجام دهند اما اگر انتظارات والدین غیرقابل قبول بود باید بتوانند آزادانه با والدین خود مطرح کنند.
- ۴- والدین باید هنگام تصمیم گیری در مورد مسائل و برنامه های خانواده نظر بچه ها را دخالت دهند و از آنها نیز نظرخواهی کنند.
- ۵- باید به بچه ها اجازه داده شود که اگر فکر می کنند که نظراتشان از نظرات والدین خود بهتر است آن را ابراز کنند.
- ۶- هرگاه بچه ها برخلاف میل والدین رفتار کردند والدین باید به جای رده نمایی آنها را تهیه کنند.
- ۷- اگر والدین تصمیمی برخلاف میل بچه ها گرفتند در چنین مواردی باید در حدود آن با بچه ها گفتگو کنند و حتی اگر اشتباه کرده بودند، آن را بپذیرند.
- ۸- وقتی بچه ها مرتکب اشتباهی می شوند، هیچ گاه نباید آنها را سرزنش کرد.
- ۹- بچه ها را باید آزاد گذاشت تا خودشان تجربه کسب کنند.
- ۱۰- در مجالس و میهمانی ها باید بچه ها را آزاد گذاشت تا محیط اطراف خود را دست کاری کنند تا حس کنجکاوی آنها ارضا شود.

در بررسی سؤال شماره یک ۳۳/۳٪ آن را مردود دانسته و ۱۰/۴٪ نسبت به این دیدگاه نظری کاملاً موافق یا مخالف داشتند و در پاسخ به سؤال شماره دو ۴۳/۸٪ پاسخی کاملاً موافق و ۶/۳٪ از والدین از این دیدگاه مخالفت خود را ابراز داشته اند. در پاسخ به سؤال شماره سه ۵۲/۱٪ پاسخی کاملاً موافق و ۲۱٪ از آنها با این عقیده کاملاً مخالفند. در پاسخ به سؤال شماره چهارم ۴۷/۹٪ از والدین پاسخ موافق و ۶/۳٪ از والدین مخالف چنین عقیده ای هستند. در پاسخ به سؤال شماره پنجم ۲۷/۱٪ از والدین کاملاً موافق و ۸/۳٪ از آنها با این نظریه تقریباً مخالف بودند. در پاسخ به سؤال شماره شش، ۸/۳٪ از والدین نظری کاملاً موافق داشته و ۱/۲٪ از آنها نسبت به این سؤال مخالفت خود را ابراز داشته اند. تا پاسخ به سؤال هفتم ۵۴/۲٪ از والدین پاسخ موافق و ۲/۱٪ پاسخ مخالف داشته اند. در پاسخ به سؤال هشتم ۲۷/۱٪ با این دیدگاه موافقت و ۸/۳٪ با این نظریه مخالفند. در پاسخ به سؤال نهم، ۶۴/۶٪ از والدین موافق این نظریه هستند و ۲/۱٪ مخالف چنین دیدگاهی هستند در پاسخ به سؤال دهم ۳۳/۳٪ موافق و ۶/۳٪ از آنها مخالف این عقیده بوده اند.

فرضیه شماره ۲: بین سبک سهل گیرانه والدین و خلاقیت کودکان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۳: میانگین خلاقیت کودکان با توجه به سبک فرزند پروری

سبک فرزند پروری	قاطع	استبدادی	سهل گیرانه
میانگین	۲۴/۱	۴۱/۵	۱۹/۸

جدول شماره ۴: جدول همبستگی مربوط به فرضیه شماره دو

شاخص	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رابطه خلاقیت و سهل گیری	۴۸	۰/۱۱	۰/۴۵

برای بررسی این فرضیه ۱۰ سؤال مطرح شده است:

- ۱- والدین باید به بچه های خود اجازه دهند تا هر آنچه را که می خواهند انجام دهند.
- ۲- والدین نباید در کارهای مربوط به بچه ها دخالت کنند چون بچه ها به طور ذاتی راه خودشان را پیدا می کنند.
- ۳- والدین نباید بچه ها را در منزل محدود کنند بلکه باید آنها را آزاد بگذارند تا تمام لوازم اطراف خود را دستکاری کنند.
- ۴- والدین، باید در تصمیم گیریهای مربوط به خانواده فقط آنچه را که خاص بچه ها است انجام دهند.
- ۵- اگر والدین رفتار و خواسته های بچه ها را محدود نکنند، بیشتر مشکلات حل می شود.
- ۶- والدین، باید بچه هایی که با نظر آنها مخالفت می کنند به شدت برخورد نمایند.
- ۷- بچه ها به بازی و تفریح نیاز دارند برای این کار والدین باید به آنها اجازه دهند تا هر وقت ایشان خواست از متداول خارج شوند.
- ۸- گاهی اوقات والدین باید با بچه ها سازش کنند، نه اینکه همیشه انتظار داشته باشند که بچه ها با آنها سازش کنند.
- ۹- وقتی بچه ها دچار مشکل و در دسر می شوند (کار خطایی انجام می دهند) باید بدانند که با مطرح کردن آن مشکل برای والدین خود تنبیه نمی شوند.
- ۱۰- اگرچه بچه ها تجربه کمی دارند، اما گاهی اوقات نظر آنها بهتر از نظر والدین است.

در پاسخ به سؤال شماره یک ۳۹/۶٪ از والدین مخالف این ایده هستند و ۱۰/۴٪ کاملاً مخالف و تقریباً مخالف می باشند. در پاسخ به سؤال شماره دو ۵۲/۱٪ موافق و ۲۱٪ مخالف هستند. در پاسخ به سؤال سوم ۲۷/۱٪ کاملاً موافق و ۱۰/۴٪ کاملاً مخالف

هستند. در پاسخ به سوال چهارم ۷۴/۹٪ مخالف و ۶/۳٪ کاملاً موافق می باشند. در پاسخ به سوال پنجم ۳۹/۶٪ کاملاً موافق و ۲/۱٪ از آنها مخالف این عقیده هستند. در پاسخ به سوال ششم ۴۳/۸٪ کاملاً موافق و ۴/۲٪ کاملاً مخالف هستند. در پاسخ به سوال هفتم ۴۵/۸٪ موافق و ۱۴/۶٪ مخالف هستند و در پاسخ به هشتم ۴۷/۹٪ مخالف و ۴/۲٪ تقریباً مخالف هستند: در پاسخ به سوال نهم: ۳۷/۵٪ موافق و ۶/۳٪ کاملاً مخالف هستند و در پاسخ به سوال دهم ۳۳/۳٪ مخالف و ۱۲/۵٪ از والدین موافق با این عقیده هستند.

فرضیه شماره ۳: بین سبک فرزند پروری استبدادی والدین و خلاقیت کودکان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۵: میانگین خلاقیت کودکان با توجه به سبک فرزندپروری والدین

سبک فرزند پروری	قاطع	استبدادی	سهل گیرانه
میانگین	۲۴/۱	۴۱/۵	۱۹/۸

جدول شماره ۶: جدول همبستگی مربوط به فرضیه شماره ۳

شاخص مولفه	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رابطه خلاقیت و سبک استبدادی	۴۸	-۰/۴۵	۰/۷۱

برای بررسی این فرضیه ها ده سوال مطرح شده است:

۱- بچه ها باید فقط از آنچه که والدینشان می گویند پیروی کنند، در غیر این صورت باید آنها را تنبیه کرد.
 ۲- اگر به مشکلات بچه ها توجه شود این در دسر را به دنبال دارد که آنها پر روتر شده و انتظارات بیشتری از والدین خواهند داشت.

۳- اگر بچه ها کاملاً مطابق میل والدین خود رفتار کنند، در آینده افراد موافقی خواهند شد.

۴- وقتی والدین از بچه ها می خواهند تا کاری انجام دهند بچه ها باید بدون چون و چرا آنها را انجام دهند.

۵- والدین خیلی زود باید به بچه ها بفهمانند که رئیس خانواده چه کسی است.

۶- والدین باید با بچه هایی که با نظر آنها مخالفت می کنند به شدت برخورد نمایند.

۷- شوخی و بازی کردن بچه ها در حضور والدین توهین به آنهاست.

۸- بعضی از بچه ها ذاتاً بد هستند و باید طوری تربیت شوند که از والدین خود بترسند.

۹- بچه ها وقتی بزرگ شوند از سخت گیریهای والدین خود سپاسگزاری می کنند.

۱۰- بچه ها جدی و کوشا نخواهند بود مگر اینکه درباره کارهای آنها سختگیری کنیم.

در پاسخ به سوال شماره یک ۴۳/۸٪ از والدین موافقت کامل خود را ابراز داشتند و ۲/۱٪ از آنها با این ایده مخالفت یا کاملاً مخالف بودند. در پاسخ به سوال شماره دو ۳۱/۳٪ از والدین موافق و ۸/۳٪ کاملاً مخالف بوده اند. در پاسخ به سوال شماره سه ۴۳/۸٪ از والدین کاملاً موافق و ۴/۲٪ مخالف بوده اند. در پاسخ به سوال شماره چهارم ۴۱/۷٪ موافق و ۶/۳٪ در این مورد نظری نداشتند. در پاسخ به سوال شماره پنجم ۴۱/۷٪ از والدین مخالف و ۸/۳٪ تقریباً مخالف بودند. در پاسخ به سوال شماره ششم

۹۲/۲٪ از والدین تقریباً مخالف بودند و ۱۴/۶٪ از آنها با این عقیده کاملاً موافق یا کاملاً مخالف بودند. در پاسخ به سؤال شماره هشتم ۵۲/۱٪ از والدین کاملاً موافق و ۴/۲٪ مخالف و کاملاً مخالف بودند. در پاسخ به سؤال شماره نهم ۲۷/۱٪ کاملاً موافق و ۸/۳٪ تقریباً مخالف بودند. با توجه به موارد فوق می توان نتیجه گرفت که استبداد والدین در میزان خلاقیت کودکان تأثیر بسزایی دارد.

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین شیوه های فرزند پروری والدین با خلاقیت کودکان دبستانی در شهر کنگان بود. برای بررسی این موضوع ۳ فرضیه مطرح شد که نتایج به صورت زیر بود:

فرضیه اول: بین سبک فرزندپروری مقتدرانه والدین و خلاقیت کودکان رابطه وجود دارد. با توجه به یافته ها می توان نتیجه گرفت که: قاطعیت رابطه منفی با میزان خلاقیت کودکان دارد. توضیح آنکه بین قاطعیت والدین و میزان خلاقیت کودکان رابطه ای مثبت وجود ندارد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که اکثراً والدین روشی مناسب برای تربیت و آموزش فرزندان خود ندارند و با خصوصیت اخلاقی خودشان که همانا قاطعیت است مانع از بروز خلاقیتها و نوآوریهای کودکان خود هستند، اگرچه خلاقیت یک موهبت خداوندی است اما سبکهای تربیتی والدین است که باعث شکوفا شدن و مثمر ثمر بودن نوآوریهای کودکان است.

فرضیه دوم: بین سبک سهل گیرانه والدین و خلاقیت کودکان رابطه وجود دارد. با توجه به یافته ها چنین نتیجه می گیریم که سهل گیری والدین و عدم کنترل درست و نظارت کامل بر رفتار، ایده ها و اندیشه های کودک، باعث افت شدید در میزان خلاقیت در کودکان می شود. اگرچه در مواردی نادر، کودک می تواند به خاطر اینکه کنترلی بر اعمالش ندارد و محیطی مناسب و آزادی بیشتر نسبت به همسالان خود احساس می کند فردی خلاق، نوآور و مبتکر باشد. البته قابل ذکر است که کودکان باید افرادی باهوش و با استعداد باشند تا بتوانند از چنین موقعیتهایی کمال استفاده را ببرند. اما در موارد دیگر به علت بی مسئولیتی و بی مبالاتی، حتی قادر به انجام تکالیف روزمره خود نیستند، والدین نقش به سزایی در شکل گیری شخصیت کودک دارند پس عدم کنترل و نظارت دقیق والدین و دخالت نامناسب باعث سست شدن گیرنده های درونی برای بروز خلاقیت در کودکان می شود.

فرضیه سوم: بین سبک فرزند پروری استبدادی والدین و خلاقیت کودکان رابطه وجود دارد. با توجه به یافته ها می توان نتیجه گرفت که استبداد والدین در میزان خلاقیت کودکان تأثیر بسزایی دارد. توضیح اینکه هر چه استبداد والدین بیشتر باشد میزان خلاقیت کودکان کاهش پیدا می کند. اگرچه استبداد والدین باعث منظم و مرتب بودن کودکان گشته اما به خاطر اینکه کودک آزادی و بیان عمل ندارد تا ایده ها و افکار خود را عملی سازد باعث افت میزان خلاقیت در کودک می گردد و همانند یک رباط مجبور به انجام عمل است که به او یاد داده شده است و هرگز دست به نوآوری و آزمایش برای اثبات افکار خود نمی زند حتی اگر کودک ذاتاً خلاق و مبتکر باشد اما به علت آنکه بستری برای پرورش خلاقیت او وجود نداشتند و مهمتر از این، این است که شخصیتی همانند پدر و مادر وجود نداشتند تا او را مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهند خلاقیت در این افراد رو به زوال گذاشته و تبدیل به اشخاص بدون ایده و افکار نو و خلاق می شوند.

والدین تنها نقش‌بند هویت کودک هستند اگر اندکی بدون آنکه خود آزموده باشند کودکان را بیازمایند. تصویری زشت، نامیمون و گاه خطرناک از هیبت کودکان خواهند داشت. گزارش هر پژوهشی به امید ادامه یافتن راه تحقیق و پژوهش در مورد موضوع مورد بررسی، نگارش و به جامعه پژوهشگران ارائه می شود بنابر این لازمه هر گزارش پیشنهاداتی است که راه را برای پژوهش های آتی هموار سازد. این پژوهش نیز از این امر مستثنی نبوده و پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می شود:

- ۱- بهتر است پژوهش های مشابهی در سایر مناطق آموزش و پرورش استان اجرا شود و یافته های آنها با یافته های پژوهش حاضر مقایسه شود.
 - ۲- پژوهش مشابهی تحت شرایط مناسب و کنترل بر روی متغیر های تاثیر گذار اجرا شود.
 - ۳- گماردن افراد در مشاغل مناسب با توجه به کاردان بودن، تندرستی و توانایی انجام کار.
 - ۴- از نظر ها و پیشنهادهایی که معلمان ارائه می دهند استقبال شود و مورد ارزیابی قرار گیرد و در صورت امکان و مناسب بودن به مرحله اجرا گذاشته شود.
 - ۵- مناسب است این پژوهش ها به طور سیستماتیک از طریق آموزش و پرورش انجام گیرد.
- در هر پژوهشی محدودیت هایی وجود دارد که تعمیم نتایج را با مشکل مواجه می نماید. این پژوهش نیز از این امر مستثنی نبوده و دارای محدودیت های زیر بوده است:

۱. محدود بودن جامعه آماری به مدارس کنگان موجب گردیده تا تعمیم نتایج به سایر مناطق استان و یا کشور امکان پذیر نباشد.
۲. در پژوهش حاضر برای رابطه سبک های فرزند پروری با میزان خلاقیت کودکان در شهر کنگان تنها از پرسشنامه استفاده شده است که شاید نوعی محدودیت برای ارزیابی این موضوع محسوب شود.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از تمامی همکارانی که ما را در انجام این پژوهش یاری کرده اند، تشکر می نمایم.

منابع فارسی

- اسفندیاری، غلامرضا (۱۳۷۴). مقایسه شیوه های فرزند پروری مادران در دو گروه کودکان مبتلا به اختلال رفتار و تاثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری. پایان نامه ارشد انستیتوی تحقیقات روانپزشکی تهران.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۵). روانشناسی کمرویی و راه های درمان. چاپ نهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بک، جان (۱۳۷۵). چگونه فرزند باهوش تری تربیت کنیم، ترجمه علی شایق، انتشارات کویر.
- دائمی، حمیدرضا؛ مقیمی بارفروش، سیده فاطمه (۱۳۸۳). هنجاریابی آزمون خلاقیت، تازه های علوم شناختی، سال ۶، شماره ۳ و ۴.
- شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۸۴). راه های پرورش خلاقیت، مجله معرفت شماره: ۹۲.
- فتیحی، سعید (۱۳۸۴). تحول فرهنگی گامی به سوی کارآفرینی، مجله تدبیر شماره ۱۰۲.
- کفایت، م (۱۳۷۳). بررسی ارتباط شیوه ها و نگرش های فرزند پروری با خلاقیت و رابطه اخیر با هوش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال اول دبیرستان های پسر اهواز، پایان نامه ی کارشناسی ارشد.
- گریوز، گارگیلو، اسلادر، (۱۳۷۹)، خلاقیت (شناخت ویژگی های کودکان و برخورد مناسب با آنها) (ترجمه مهدی قراچه داغی)، تهران: پیک بهار.
- مهر افزا، م (۱۳۷۴). بررسی رابطه های شیوه های فرزند پروری با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال سوم دبیرستان های تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
- میرزا آقایی، حمید (۱۳۸۶). تاثیر هنر بر خلاقیت کودکان در آینده، ماهنامه پژوهشی-خبری شماره ۵ فرهنگستان هنر ایران.

- Baumrind, D. (1966). Effects of authoritative parental control on child behavior. *Child Development*, 37 (4), 887-907.
- Bruke, M. U. (2005). *Familial influence on self-efficacy: Exploring the relationship between perceived parenting style, current social support, and self-efficacy beliefs in a sample of non-traditional college students*. Dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for the degree Doctor of Philosophy, faculty of Psychology, Capella.
- Buri, J. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57, 110-119.